

## نقشه‌ی خدا برای فدیه

درس ۱۵: وسعت کفاره

دکتر آر. سی. اسپرول

امروز در جلسه‌ی پایانی‌مون درباره‌ی کفاره‌ی مسیح، می‌خوایم به طور خلاصه درباره‌ی یکی از بحث برانگیزترین مسائل پیرامون کل مبحث کفاره‌ی عیسی صحبت کنیم، و اون هم این سؤاله که "مسیح برای کی مُرد؟" من اخیراً در بوستون صحبت می‌کردم و یک نفر به سراغم اومد و خودش رو به عنوان "کلونیست کریسمسی" معرفی کرد و من با تعجب نگاهش کردم، چون قبلاً این اصطلاح رو نشنیده بودم.

گفتم: "منظورت از کلونیست کریسمسی چیه؟" و او گفت: "نوئل" به محض اینکه این رو گفت، می‌دونستم منظورش چیه. او مشخصاً به حروف اختصاری تاریخی اشاره می‌کرد که نکات مورد بحث الهیات اصلاحات رو خلاصه می‌کنه، بعد از مباحثات ناگهانی در هلند که بین بعضی از کلونیست‌های هلندی و بعضی از گروه‌هاشون بود که علیه آموزه‌های خاصی اعتراض می‌کردند که در اونها شاخصه‌های الهیات اصلاحات با حروف اختصاری "تولپ" خلاصه میشد و البته "ل" در تولپ، نشوندننده‌ی مفهوم به اصطلاح "کفاره‌ی محدود" هست.

پس دوستم در بوستن می‌گفت او به همه‌ی چیزهای دیگه در ایمان اصلاحات اعتقاد داشت، اما نمی‌خواست این آموزه‌ی کفاره‌ی محدود رو بپذیره. برای همین خودش رو کلونیست کریسمسی، "نوئل" یا بدون لام میدونست. او در ادامه گفت خودش رو کلونی چهار نکته ای می‌دونست.

شما این زبان رو همیشه از کسانی می‌شنوید که خودشون رو چهار نکته‌ای می‌نامند و منظورشون اینه که "ت"، "و"، "ی" و "پ" رو تأیید می‌کنند. اما دوباره وقتی می‌شنوید یک نفر میگه کلونیست چهار نکته‌ای هست، معمولاً منظورش اینه که با این نظریه مخالفت میکنه که می‌خوایم امروز اون رو مطرح کنیم. گاهی اوقات شما می‌شنوید که مردم میگن کالمینیست هستند. آیا اینو شنیدید؟

یعنی کمی کلونیسم و کمی آرمینیسم دارند و وام دار هر دوی اونها هستند و مردم به من میگن: "من کالمینیست هستم" و من میگم: "خب، می‌دونی ما به کالمینیست‌ها چی می‌گیم؟" و اونها میگن: "نه، چی می‌گید؟" میگم: "آرمینین‌ها". ما در نهایت به کلونیست‌های چهار نکته‌ای "کلونیست‌های بدون نکته" هم می‌گیم، اما این در شوخی‌های دوستانه هست که بین نظرات مختلف الهیاتی اتفاق می‌فته.

وقتی به سؤال وسعت کفاره می‌رسیم، اول از همه اجازه بدید بگم سردرگمی‌های زیادی درباره‌ی مفهوم "کفاره‌ی محدود" هست و گاهی اوقات این حروف اختصاری مانع از درک ما میشه، چون کلمات در پنج حرف فشرده شدند که نشوندهنده‌ی اونهاست و از لحاظ تاریخی، الهیات اصلاحات واقعاً اصطلاح "کفاره‌ی محدود" رو دوست نداره.

اونها کلماتی مثل کفاره‌ی معین رو به عنوان چیزی متفاوت از کفاره‌ی نامعین ترجیح میدن و اجازه بدید توضیح بدم که اینجا چی مورد نظره. این سؤال، به ارزش کفاره‌ی مسیح مربوط نمیشه. قطعاً الهیات اصلاحات موافقه که ارزش قربانی‌ای که مسیح به پدر تقدیم کرد، کامل بود، و او نمی‌تونست کاری بیش از این بکنه تا بر فدیهای بشر تأثیر بذاره، و مثل این نیست که او فقط ۵۰٪ چیزهای لازم برای اجرای عدالت خدا رو فراهم کرد و بعد ما رو رها کرد که بقیه رو فراهم کنیم یا چنین چیزهایی.

نه، قربانی مسیح یکبار برای همیشه بود. حالا، من بارها می‌شنوم که دانشجوها، حتی دانشجوهای اصلاح‌گرا، آموزه‌ی کفاره‌ی معین رو با این اصطلاحات شرح میدن. اونها از این عبارت خاص استفاده می‌کنند که شاید قبلاً شنیدید: کفاره‌ی مسیح برای همه کافیه، برای بعضی ثمربخشه.

شاید این رو شنیدید که برای همه کافیه، برای بعضی ثمربخشه، یعنی ثمربخشی کفاره فقط به گروه خاصی از افراد محدود میشه، اما همزمان کافیه که همه‌ی گناهان کل دنیا رو تحت پوشش قرار بده، پس می‌تونید مطمئن باشید که اگه کسی به مسیح ایمان بیاره، واقعاً از مزایای کامل و ثمربخشی کامل کفاره برخوردار میشه، چون این برای همه کافیه.

حالا دوباره، حتی در زمینه‌ی پرزبیتری، که برای کسانی که برای خدمت و آزمون انتصاب به کشیشی آماده میشن، اونها رو امتحان می‌کنیم، شما در کلیسای اصلاحات درباره‌ی مفهوم کفاره‌ی محدود سؤال کنید، من می‌شنوم که کاندیداها می‌ایستند و میگن: "خب، کفاره‌ی محدود یعنی کفاره برای همه کافیه، برای بعضی ثمربخشه."

نه، ما اینجا درباره‌ی این صحبت نمی‌کنیم، چون این اساساً نکته‌ای هست که بین افراد اصلاح‌گرا و غیر اصلاح‌گرا، مورد توافقه. این فقط می‌گه کفاره به طور ثمربخش برای همه بکار نرفت.

پس این فقط فرق بین نظریه‌ی رستگاری خاص و نظریه‌ی رستگاری عام رو مشخص می‌کنه و نظریه‌ی رستگاری عام، نظریه‌ای هست که عیسی نه تنها به اندازه‌ی کافی برای همه‌ی گناهان همه‌ی مردم مُرد، بلکه تأثیر کفاره، در واقع برای رهایی همه بود، تا همه در جهان نجات یابند.

نظریه‌ی رستگاری عام تعلیم می‌دهد که همه‌ی انسان‌ها نجات می‌یابند، و به خاطر کاربرد جهانی یا ثمربخشی کفارهی مسیح که نجات می‌یابند. حالا دوباره، نظریه‌ی رستگاری عام، حداقل در محفل‌های بشارتی، یک دیدگاه بسیار دقیق هست. یعنی آگه در واقع بگم یک نفر به رستگاری عام باور دارد، به تنهایی او رو حتی از انجیلی بودن هم رد صلاحیت می‌کنه، اما شاید تمایلاتی جزئی رو بیابید که در الهیات انجیلی نسبت به نظریه‌ی رستگاری عام وجود دارد.

حالا، خیلی از اینها البته بیشتر در الهیات لیبراله، اما برای کسانی که معتقدند جهنمی هست و افرادی در اونجا هستند، آگه یک نفر در جهنم هست، پس ما نمی‌تونیم معتقد به رستگاری عام باشیم، چون نظریه‌ی رستگاری عام تعلیم می‌دهد که خدا همه رو نجات می‌دهد. اما نظریه‌ی رستگاری خاص میگه: "نه، فقط بعضی نجات می‌یابند، نه همه."

حالا، اگرچه اینجا توافق قدرتمندی در نهضت انجیلی درباره‌ی نظریه‌ی رستگاری خاص هست، یعنی ثمربخشی یا فواید تأثیر صلیب فقط برای بعضی بکار میره و نه همه، اگرچه درباره‌ی نظریه‌ی رستگاری خاص توافق نظر هست و همه موافقند که این برای همه کافیه، اما سؤال واقعاً به اینجا میرسه که "چرا فقط بعضی نجات می‌یابند."

و چطور این نجات خاص به کار مسیح روی صلیب مربوط میشه. حالا راه‌های مختلفی برای پرداختن به این هست. بعضی اینطور به صلیب نگاه می‌کنند: اونها میگن، عیسی میاد و نجات بالقوه رو برای همه تضمین می‌کنه، یعنی طرح، قصد و نیت، و هدف خدا برای فرستادن مسیح به دنیا این بود که برای همه‌ی انسان‌ها امکان نجات یافتن رو فراهم کنه.

اما ما به نوعی، نظریه‌ی رستگاری عام رو به طور فرضی داریم که بر اساس اون، این از لحاظ نظری ممکنه؛ محتمل نیست، اما از لحاظ نظری ممکنه که همه‌ی انسان‌ها بتونن نجات بیابند، چون همه‌ی انسان‌ها فرصت نجات رو دارند، چون مسیح فرستاده شد تا همه رو نجات بده. این واضحه؟ مسیح اومد که برای گناهان همه بمیره تا برای همه‌ی انسان‌ها امکان نجات یافتن رو فراهم کنه.

و "هرکه بر او ایمان آورد، هلاک نگرده، بلکه حیات جاودانی یابد."

پس نجات از ازل به طور بالقوه و مشروط طراحی شد. یعنی از لحاظ نظری این امکان هست که همه نجات بیابند، چون همه‌ی انسان‌ها از مزایای صلیب در مقابلشون برخوردارند، این به طور بالقوه برای همه هست، اما مشروطه.

چیزی که تعیین می‌کند کفاره برای شما کاربرد داره یا نه، چیزی که تعیین می‌کند کفاره برای شما ثمربخشه یا نه، پاسخ شماست، پاسخ شما با ایمان.

صلیب فقط برای کسانی تأثیرگذاره که بهش ایمان دارند، چون تا زمانیکه به مسیح ایمان نیارید، همه‌ی کارهای او، مُردن او، زندگی او، برای شما سودی نخواهد داشت، پس کفاره به تنهایی یک کفاره‌ی کامل نیست. این کفاره‌ی مشروطه. عیسی میگه: "پدر، این قربانی منه، اون رو برای کسانی بکار ببر که شرط رو اجرا می‌کنند،" چون کفاره‌ی مسیح به تنهایی عدالت خدا رو برای گناهان همه اجرا نمی‌کنه.

حالا، چرا نه؟ اگه در واقع کفاره به تنهایی همه‌ی شرایط عدالت خدا رو اجرا می‌کنه، بعد اگه خدا یک نفر رو به جهنم بفرسته، او به نوعی اونها رو دو بار داوری می‌کنه. چون اگه عدالت و انصافش اجرا شده و بهای گناهان انسان‌ها پرداخت شده، پس خدا چطور می‌تونه یک نفر رو که بهای گناهانش پرداخت شده، مجازات کنه؟

اینجا این مشکل رو می‌بینید؟ مشکل اینجاست. اگه مسیح، خواسته‌ی شریعت خدا رو برای من اجرا می‌کنه و بهای همه‌ی گناهانم رو می‌پردازه و من به او ایمان ندارم، خدا چطور می‌تونه من رو مجازات کنه؟ خُب، شما می‌گید چون من شرط رو اجرا نکردم. بله، و عدم اجرای شرط توسط من، گناهه، مگه نه؟ و اگه این از طرف من گناه محسوب میشه که باید این شرط رو اجرا کنم، پس این گناه در صلیب پوشش داده نشده.

پس ما می‌گیم کار مسیح در اجرای عدالت ناکامه. حالا اگه این در صلیب پوشش داده شده، پس البته که من نجات می‌یابم، خواه ایمان داشته باشم یا نداشته باشم. می‌بینید این چقدر پیچیده میشه. خُب، به نظرم ما می‌تونیم اینجا از این سختی‌ها رها بشیم، اگه به مسأله‌ای که در ابتدا مورد بحث بود برگردیم و ببینیم واقعاً درباره‌ی چی بود.

دوباره، این درباره‌ی ثمربخشی صلیب یا کفایت صلیب نیست. کل سؤال گستره‌ی کفاره مربوط به طرح و الگوی اونه. و صحبت درباره‌ی طرح کفاره یعنی ما باید اول طراح رو شناسایی کنیم. کی در ابتدا کفاره رو طراحی می‌کنه؟ وقتی به عهد مراجعه کردیم، به عهد ازلی برگشتیم، اینطور نیست؟

به عهد فدیه نگاه کردیم و گفتیم از ازل، پدر، پسر و روح القدس، درباره‌ی خلقت و فدیه با هم توافق کامل داشتند. و وقتی کتاب مقدس درباره‌ی نقشه‌ی نجات صحبت می‌کنه، این درباره‌ی نقشه‌ی خدا صحبت می‌کنه. خدا برنامه ریزه. خدا طراحه. خدا مسیح رو به جهان می‌فرسته.

حالا، دوباره سؤال اینه که "چرا او این کار رو کرد؟" دوباره، آیا او این کار رو به عنوان خدایی کرد که پایان رو از ابتدا نمیدونه، یا خدایی که به قول الهیدانان امروزی، کاملاً آزاده و عالم مطلق نیست؟ او نمیدونه مردم میخوان چی کار کنند.

چون آگاهی او همیشه به انتخابهای محتمل انسانها محدود میشه، خدا میگه: "من یک نجات دهنده میفرستم و هفت میلیارد سال بعدی رو در آسمان بالا و پایین میرم و امیدوارم یک نفر از اون بهره ببره، اما نمیدونم آیا کسی واقعاً تحت تأثیر قربانی پسر یگانه‌ی من قرار میگیره یا نه."

و من می‌دونم در عهد جدید، روح القدس نشون داده که کار مسیح تأثیرگذار میشه و جان مسیح متحمل عذاب میشه، و راضی میشه. و می‌دونم پسر در بالاخانه، در دعا، به همه‌ی کسانی اشاره کرد که پدر به او بخشیده، و هیچ کدوم از اونها غیر از یهودا که شریر بود، از بین نرفته - چی؟ از ابتدا. و عیسی گفت: "هر آنچه پدر به من عطا کند، به جانب من آید." پس مسیح در واقع آگاهه که حالا داره برای قربانی آماده میشه، تا این کار فدییه رو انجام بده، اون رو برای کسانی انجام میده که خدا بهش داده. و می‌دونه انجام این کار، بیهوده نیست.

ببینید مشکل مفهوم فدییه‌ی فرضی اینه که مسیح می‌تونست به طور فرضی برای همه بمیره و به طور فرضی برای هیچ کس نمیره. به طور نظری ممکن بود صلیب یک عمل بیهوده باشه. و اینجا ما رو مجبور می‌کنه که از لحاظ درکمون از شخصیت خدا به صلیب فکر کنیم.

اگه خدا کفاره رو طراحی می‌کنه، اگه این نقشه‌ی خدا برای فدییه هست، پس انتظار دارید چه اتفاقی بیفته؟ چیزی که من انتظار داشتم اتفاق بیفته، دقیقاً همون چیزی هست که خدا طراحی کرده. من معتقدم ثمربخشی صلیب دقیقاً به اندازه‌ای که خدا در ابتدا در نظر داشت، انجام شده.

من اخیراً از یک رهبر معروف مسیحی، بعد از اینکه با هم مباحثات الهیاتی داشتیم، شنیدم که در پایان جلسه با شور و شوق زیاد گفت: تصمیماتی که ما امروز اینجا گرفتیم! گفت: "خیلی خوشحالم که به این نتیجه رسیدیم، چون اگه ما به این نتیجه نمی‌رسیدیم، میلیون‌ها نفر از دست می‌رفتند."

و من به او نگاه کردم و گفتم: "خوشحالم که ما به این نتیجه رسیدیم و مطمئنم در مشیت الهی خدا، این برای خدا خوشاینده، اما اگه ما امروز اشتباه می‌کردیم، حتی یک نفر هم به خاطر اون از دست نمی‌رفت، چون حتی یک لحظه فکر نکن که ثمربخشی طرح و نقشه‌ی نهایی فدییه که ما

در اون هستیم، وابسته به ما در نهایت صداقت و نهایت دعاکردن هامون باشه. این به خدا وابسته هست. مسئله اینه. آیا نجات در نهایت، با در نظر گرفتن همه‌ی جوانب، از انسانه یا خداوند؟ حالا عیسی گفت: "من جان خود را در راه گوسفندانم می‌نهم." دوباره، او می‌تونست بگه هر کی می‌خواد از صلیب بهره ببره، قطعاً این به اونها عرضه شده، اما این هم به نوعی سؤال برانگیزه، چون ما درباره‌ی عرضه‌ی جهانی انجیل صحبت می‌کنیم.

از یک لحاظ، عزیزان، آنچه انجیل عرضه می‌کنه، جهانی نیست. تأثیرات کفاره برای همه نیست. اونها فقط برای توبه کارانه. فقط برای کسانی که با ایمان پاسخ میدن. فقط نمیگه که "من این رو بدون تبعیض به همه میدم."

بله، اینجا شرطهایی هست. و تا جاییکه به آموزه‌ی برگزیدگی مربوط میشه، این سؤال ایجاد میشه که چطور این شرط اجرا میشه. الهیات اصلاحات بطور تاریخی میگه، بله، شما باید ایمان داشته باشید تا از مزایای صلیب برخوردار بشید، اما حتی ایماتون هم هدیه‌ی خداست.

پس مسیح فقط طرح و نقشه‌ی ازلی و حکم نجات رو که ریشه و اساسش در تاریخه، اجرا می‌کنه. و هر کسی که مسیح برای او می‌میره، نجات یافته. اجازه بدید دوباره بگم. هر کسی که مسیح برایش می‌میره، نجات یافته. چون ایمان اصلاحات میگه، و اینجا من بدون عذر موجه این رو می‌گم.

عیسی فقط برای برگزیدگان مُرد. او برای همه نمرد. و اینجا مردم واقعاً ناراحت میشن. می‌گن: "منظورت چیه؟ کتاب مقدس میگه او برای دنیا مُرد. او نه تنها برای ما مُرد، بلکه برای گناهان کل دنیا هم مُرد." بله، او برای مردم از تمامی بخش‌های جهان مُرد. کتاب مقدس اینطوری درباره‌ی دنیا صحبت می‌کنه، از لحاظ کیهان و جهان هستی، و نکته اینه که او فقط برای یهودیان نمرد.

او برای پارتی‌ها و کارتاژی‌ها مُرد و برای هر غیریهودی مُرد. و برای مردمی از هر قبیله و زبان و ملت مُرد. او برای کل انجمن برگزیدگان مُرد. خُب، به این معناست که برای غیربرگزیدگان نمرد؟ بله، منظور همینه. یعنی او برای شیطان نمرد. آه، این اشکالی نداره؛ او انسان نیست.

او برای کسانی نمرد که در حکم ازلی خدا هدف خاص لطف خدا برای برگزیدگی نیستند. برای همین می‌گم: "از یک لحاظ "تولپ" ، یک آزمون نمایانگر برای دیگرانه، "ل" در "تولپ" آزمون نمایانگر بقیه هست." وقتی می‌شنوم مردم می‌گن به فساد و تباهی کامل ایمان دارن، اما به کفاره‌ی محدود ایمان ندارن، این همیشه من رو متحیر می‌کنه.

موضوع بدتر اینه که وقتی میگن به برگزیدگی بی‌قید و شرط ایمان دارنند، یعنی خدا از ازل بی‌قید و شرط، بی‌قید و بند تصمیم گرفته، نه با در نظر گرفتن آنچه شما در آینده انتخاب خواهید کرد، و ما در درس‌های بعدی بهش خواهیم پرداخت، اما خدا مقتدرانه از ازل کسانی رو که نجات خواهد داد، انتخاب کرده. مردم میگن: "من به این ایمان دارم." بعد میگن به کفاره‌ی محدود ایمان ندارند.

شما نمی‌تونید به این ایمان داشته باشید و به اون ایمان نداشته باشید. به همین سادگی، چون اگه ایمان دارید که برگزیدگی بی‌قید و شرطه و ریشه و اساسش در رحمت و فیض حاکمانه‌ی خدا از ازل، و می‌بینید که این بخشی از طرح و نقشه‌ی خداست، پس باید ببینید که هدف صلیب- نه ارزش صلیب، دوباره ما عجلانه می‌گیریم ارزش صلیب به طور جهانی منتشر میشه- اما طرح و نقشه و هدف اصلی اینه که خدا گفت: "من بعضی از این جمعیت انسان‌های سقوط کرده رو نجات میدم، و اینطوری این کار رو می‌کنم.

من پسر رو به دنیا می‌فرستم. او الزامات عدالت من رو اجرا می‌کنه و همه‌ی این کارها رو به نفع کسانی بکار می‌بره که من پیش از بنیاد عالم برگزیدم."

پس صلیب بخشی از نقشه‌ی ازلی فدیه‌ی خداست، تا جاییکه این بخشی از طرح او برای برگزیدگان و همه‌ی کسانی هست که خدا در نظر گرفته و قصد کرده از طریق صلیب مسیح نجات بده. برای همین خیلی تسلی بخشه که بدونیم مسیح بیهوده نمرده، و همه‌ی کارهایی که می‌خواست انجام بده، توسط خدمتش به انجام رسید.